

[عبدالحسین طالعی]

عیون المناظرات، کتابی است از ابوعلی عمر سکونی (م ۷۱۷) دانشمند اشعری مسلک و صاحب کتابهایی مانند: لحن العوام فی ما يتعلق بعلم الکلام، التمییز مما أودعه الزمخشری من الاعتزال تفسیره للکتاب العزیز، مقتضب التمییز. (لحن العوام او به تحقیق سعد غراب در سالنامه دانشگاه تونس شماره ۱۲ سال ۱۹۷۵ ص ۱۱۱ - ۲۵۵ چاپ شده است) شرح حال مفصل او در کتاب هدیه العارفین (۷۸۸/۱) آمده است.

این کتاب را سعد غراب استاد تونس به عنوان پایان نامه خود در فرانسه به سال ۱۹۷۰ ارائه کرده است. وی تحقیق کتاب را بر اساس دو نسخه سامان داده که هر دو، در کتابخانه ملی تونس وجود دارد (به شماره‌های ۱۱۲۷۳ و ۹۰۵۱).

کتاب، در سال ۱۹۷۶ در شمار منشورات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تونس (الجامعة التونسیة، کلیة آداب والعلوم الإنسانیة) به چاپ رسیده که شامل متن کتاب با فهرس در ۴۱۶ صفحه (۳۰۰ صفحه متن + ۱۱۶ صفحه فهرس) به ضمیمه ۱۱۲ صفحه مطالب مرتبط به کتاب و نویسنده و محتوای اثر به زبان فرانسوی است. متن کتاب، شامل ۱۶۰ مناظره است. البته متن کتاب به ترتیب فقرات مختلف، تقسیم و شماره‌بندی شده که ۴۱۶ بند را در بر دارد.

در این یادداشت کوتاه، مواردی از این کتاب که به اهل بیت علیهم السلام ارتباط دارد، مختصراً یاد می‌شود:

۱- مناظره ۱۹ (بند ۱۷۶ تا ۱۷۸) ماجرای مباحله و ورود خمسه طیبه به صحنه مباحله را می‌آورد، و از آن عظمت رسول خدا و جایگاه والای نبوت حضرت را نتیجه می‌گیرد. (ص ۱۲۶ - ۱۲۹)

۲- مناظره ۳۷ (بند ۲۱۱) کلام منسوب به پیامبر (کل میسر لما خلق له) را از طریق امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند.

۳- مناظره ۳۸ (بند ۲۱۴) ص ۱۵۶ قضیه حضور حضرت امیر در صلح حدیبیه را می‌آورد که حاضر نشد عنوان «رسول الله» را از جلوی نام مقدس پیامبر محو سازد.

۴- در مناظره ۴۵ بند ۲۲۲ - ۲۲۳ ص ۱۶۲ - ۱۶۳ که با عنوان «جمع میان حقیقت و شریعت» آورده، به گفتگوی خلیفه دوم با امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد حجر الأسود می‌پردازد که خلیفه آن را سنگی بی‌سود و زیان دانست، در حالی که نظر امام (علیه السلام) چنین نبود. سکونی می‌نویسد: این دو کلام، ظاهراً با هم مخالف بود، در حالی که در باطن، موافقتند، کلام خلیفه بر اساس حقیقت بود که «خالقی جز خدا نیست!» و کلام مولانا علی - رضی الله عنه - بر اساس شریعت بود، که مردمان در امتثال شریعت، مأمورند، پس حجر الأسود نفع دارد.

سکونی با احتمال دیگر، کلام خلیفه را به نفع دیدگاه اشاعره توجیه کرده که نتیجه می‌گیرد: «فیعلم بهذا أن العقول لا حکم لها فی الشرعیات، فلا تحسن ولا تقبح!»
۵- مناظره ۴۹ بند ۲۲۹ ص ۱۶۷، اختصاص دارد به کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) با یهودی، که یهودی به اختلافات امت اسلام پس از پیامبر اشاره کرد. و حضرتش در پاسخ، فرمود: شما (بنی اسرائیل) هنوز پایتان از آب نیل خشک نشده بود که به حضرت موسی گفتید: اجعل لنا الهیة كما لهم آلهة.

سکونی توجیه می‌کند که کلام «منا امیر ومنکم امیر» به دین لطمه نمی‌زند، بلکه صدمه بزرگ در کلام یهود است که به بت‌پرستی انجامید.

۶- در مناظره ۵۰ بند ۲۳۰ ص ۱۶۷ - ۱۶۸ به حضرت امیر (علیه السلام) نسبت بیعت با خلیفه اول داده که بر اساس آن حضرتش به اعتراض ابن الکواء - از سران خوارج - پاسخ می‌دهد. سکونی از آن حدیث جعلی، نتیجه‌ای می‌گیرد که از اصل خبر، بی پایه‌تر است.

۷- مناظره ۵۱ بند ۲۳۱ - ۲۴۰ ص ۱۶۸ - ۱۷۵ به تفصیل، چند برخورد حضرتش با خوارج در قضیه نهر روان را باز می‌گوید. و در پایان، اشعاری از عبدالله بن وهب راسبی - از سران خوارج - را نقل می‌کند که نصر بن مزاحم در کتاب وقعه صفین آورده بود با مطلع:

خرجنا علی امر ولم یک بیننا و بین علی غیر عتب مقدم

در مناظره ۵۷ بند ۲۴۷ و ۲۴۸ ص ۱۸۰ و ۱۸۱ بار دیگر به همین موضوع پرداخته و مناظره حضرتش با خوارج را از کتاب الهدایة نوشته قاضی ابوبکر بن طیب نقل

می‌کند. قاضی در باب این مناظره نوشته است: «فی دون هذا الکلام والوعظ والدعاء إلى الحق من مثله تنبيه و بصیره و تذکره لمن نصح نفسه ووفق لرشده وأراد الله تعالی بقوله و بفعله».

۸- مناظرات ۵۲ تا ۵۴، بند ۲۴۱ تا ۲۴۴، ص ۱۷۶ تا ۱۷۸، به مباحث جبر و تفویض و قضا و قدر اختصاص دارد. وی سخنان حضرتش را به حقانیت نظریه اکتساب و نفی جبر و قدر توجیه می‌کند. کلام حضرتش در بازگشت از صفین در همین جا نقل شده که فرمود: «إن الله أمر تخييراً ونهياً تحذيراً، لم يُعص مغلوباً ولم يُطع مكرهاً». و مسائل دو بیت شعر خواند: أنت الإمام الذی نرجو بطاعته - إلى آخر. سکونی سپس به شرح همین جمله می‌پردازد.

۹- مناظره ۱۵۱ بند ۴۰۴ تا ۴۰۶ ص ۲۹۵ و ۲۹۶ مطالبی در مورد فدک و مناظره ابوعلی بن شاذان با ابن المعلم (شیخ مفید) آورده که ضمن آن به گفتگوی امیرالمؤمنین علیه السلام با عباس بن عبدالمطلب اشاره می‌شود و خبر «نحن معاشر الأنبياء لا نورث» و مطالبی از ابن قبیل، که سکونی آن را به بطلان عقیده شیعه می‌رساند! ۱۰- مناظره ۵۵ و ۵۶ و ۵۹ بند ۲۴۵، ۲۴۶ و ۲۵۰ - ۲۵۲ صفحات ۱۷۸ - ۱۷۹ و ۱۸۲ - ۱۸۴ در موضوع توحید است، به این مضامین:

(الف) کلام حضرتش در مورد نسبت خداوند با مکان: «أین سؤال عن المكان، والمكان حادث...».

(ب) کلام حضرتش که: «أنه لا ند له فيقال لِم؟» (به نقل از کتاب: الجامع الخفی نوشته ابو اسحاق اسفرائینی).

(ج) کلام حضرتش: «إن الله سبحانه لا يحتجب بشيء وانما حجب خلقه».

(د) کلامی که بیشتر الفاظ آن مانند خطبه اول نهج البلاغه است، با مختصری تفاوت در الفاظ. سکونی می‌گوید که این کلمات را حضرتش در پاسخ به این پرسش ایراد فرمود که سائل پرسید: «یا امیرالمؤمنین بماذا يُعرف الله عز وجل؟»

تکمله: باید دانست که سکونی در این کتاب، سند ارائه نکرده و در غالب موارد، به منبع نیز اشاره نمی‌کند. لذا تمام منقولات او باید با منابع دیگر مقابله و بررسی شود. شاید توجیه او در این کار، پرداختن به نتایجی باشد که از تحلیل کلمات می‌گیرد.

نکته دیگر این که سعد غراب، در بخش فهرست/اعلام (ص ۳۶۲ - ۳۶۳)، ذیل نام «علی بن ابی طالب»، منابعی برای شرح حال او یاد می‌کند، مانند: الأعلام زرکلی، ۱۰۷ - ۱۰۸، (چاپ ۱۹۵۴ - ۱۹۵۹)؛ دائرة المعارف برکلمان؛ دائرة المعارف اسلامی، مدخلهای: اهل البيت، علویه، اهل الکساء، دعوة. نویسندگان آنها به ترتیب: هوپار Huart (در چاپ بعد: گلذیر و همکاران)، لويس Lewis، تريتون Tritton، کانارد Canard.